

تجسس و ورود به حریم خصوصی کارکنان نیروهای مسلح از منظر فقه و حقوق

حمید فنبیری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۹

چکیده

ضرورت رعایت حریم خصوصی از امور بدیهی است و آموزه‌های منابع دینی، حاکی از ممنوعیت تجسس و ورود به حریم خصوصی است. از سوی دیگر، برای صیانت کارکنان نیروهای مسلح و نظام، در برخی موارد تجسس و ورود به حریم افراد لازم است و در نتیجه در برخی موارد، بین حقوق افراد و سازمان تراحم به وجود می‌آید و در پی آن، این سؤال مطرح می‌شود که «تجسس و ورود به حریم خصوصی کارکنان نیروهای مسلح آیا جایز است؟»، «و در صورت جایز بودن، حدود و ثغور آن کدام است؟». نگارندگان با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و توصیف و تحلیل ادله، به این نتایج رسیده‌اند که حکم اولیه تجسس حرمت است، اما حکم ثانویه آن با توجه به اقسام آن، در برخی موارد جایز و در برخی موارد حرام است، اما از آنجایی که جواز تجسس، مبتنی بر وجود ملاک‌های باب تراحم است؛ از این رو، در هر کجا ملاک‌های باب تراحم (وجود مصلحت، احراز اهمیت متعلق تجسس و عدم وجود مندوحه^۲ (چاره و گریز و...) وجود داشته باشد، تجسس جایز و الا حرام است. بر این اساس، این مقاله با دسته‌بندی اقسام تجسس و اهداف آن در نیروهای مسلح، به بررسی وجود یا عدم وجود ملاک‌های باب تراحم در هر یک از اقسام مزبور پرداخته و حکم هر یک را بیان کرده است و در انتها با تأسیس اصل، اثبات نموده که در موارد مشکوک الجواز، باید به اصل عملی حرمت تجسس تمسک نمود.

کلید واژگان: تجسس، تراحم احکام و حقوق، حریم خصوصی، نیروهای مسلح.

^۱ استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده شهید محلاتی

^۲ مندوحه در اصطلاح به معنای قدرت و توانایی شخص مکلف در ادای مأموریه در غیر شرایط اضطرار است. بنابراین در فرض وجود مندوحه، اضطرار محقق نمی‌شود

مقدمه

حفظ حریم خصوصی، یکی از مصادیق مهم حقوق شهروندی است و نقض آن از مهم‌ترین عوامل ناامنی فردی و اجتماعی بشمار می‌رود. اگر حریم خصوصی شهروندان ناامن شود و افراد یا حاکمیت مجاز باشند که از زندگی خصوصی دیگران کسب اطلاع کنند، حیثیت و آبروی هیچ فردی در امان نخواهد بود و در نتیجه آرامش و امنیت فردی، خانوادگی و حتی اجتماعی از بین خواهد رفت؛ به همین سبب، خداوند متعال با وجود آگاهی کامل از پنهان و آشکار انسان‌ها، بسیار عیب-پوشاننده است و در بسیاری از ادعیه و مناجات، صفت ستارالعیوب بودن خداوند در کنار علام‌الغیوب به کار رفته که این مقارنت بیان‌گر این است که خدای آگاه از همه چیز، در عیب‌پوشی پیشی گرفته است (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲: ۵۸۴؛ کفمی، ۱۴۱۸ق: ۴۰۳؛ مجلسی، ۱۴۲۳ق: ۴۳۱).

از سوی دیگر، برای جلوگیری از مفسد احتمالی کارکنان نیروهای مسلح، جاسوسی و... گاهی ضرورت ایجاب می‌نماید به حریم خصوصی آنان ورود پیدا نمود. به همین جهت، این ضرورت دوگانه و به‌ظاهر متضاد، این سؤال مطرح می‌شود که «حکم اولیه و ثانویه ورود به حریم خصوصی کارکنان نیروهای مسلح، به‌ویژه در موارد تراحم چیست؟» و «در مصادیق مشکوک‌الجواز به چه اصلی باید مراجعه نمود؟».

پیشینه تحقیق

اگرچه با توجه به اهمیت موضوع، در آیات و احادیث فراوانی به تجسس و ضرورت رعایت حریم خصوصی اشاره شده و مفسران در ذیل آیات مربوطه به‌ویژه آیه شریفه ۱۲ سوره مبارکه حجرات، بدان پرداخته‌اند، اما فقهای بزرگوار شیعه به‌صورت مستقل در این خصوص تألیفی نداشته‌اند؛ جز اینکه پس از انقلاب، پایان‌نامه و مقاله‌هایی با عناوین مشابه آن نوشته شده که نمونه‌های آن در ذیل آمده است:

۱. موسوی‌نژاد (۱۳۸۵)؛ «کسب اطلاعات و تجسس از دیدگاه قرآن و روایات».
۲. خطیبی (۱۳۹۵)؛ «بررسی فقهی و حقوقی بازرسی و نظارت در حوزه عیون و تجسس».
۳. موسوی‌آزاد (۱۳۹۵)؛ «مطالعه فقهی - حقوقی منع تجسس و بازتاب آن در قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)».

۴. خرازی (۱۳۸۰)؛ «کاوشی در حکم فقهی تجسس».

ه) صالحی؛ «بررسی فقهی - حقوقی تجسس و موارد استثنای آن».

با این وجود، همان‌گونه که از عناوین بالا مشخص می‌شود، پژوهش‌های مزبور هیچ‌کدام به‌طور ویژه نیروهای مسلح را بررسی نکرده‌اند. به همین جهت، نگارندگان در مقاله پیش‌رو موارد ذیل را که پژوهش‌های قبلی فاقد آن هستند، مورد پژوهش قرار داده‌اند:

۱. بررسی ادله حرمت و جواز تجسس به‌صورت ترکیبی با استفاده از منابع فقهی، حقوقی و بیانات امامین انقلاب.

۲. تجزیه و تحلیل شرایط جواز تجسس و ملاک و مبنای آن، به‌منظور تسری دادن حکم، به موارد مشابه و اثبات ممنوعیت مواردی که فاقد این مبنا است.

۳. دسته‌بندی انواع تجسس در نیروهای مسلح و بررسی دقیق آنها و بیان حکم شرعی هر یک به تفکیک.

۴. تأسیس اصل عملی برای تمسک به آن در موارد مشکوک‌الجواز.

ادبیات نظری تحقیق

مفهوم شناسی تحقیق

تجسس

«در منابع لغوی، «تجسس» از ماده جس و به معنای کنکاش از درون امور و آنچه از دیگران پنهان است، می‌باشد؛ خواه خیر باشد یا شر» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۳۸) و «جاسوس نیز از همین ریشه است و به جاسوس اطلاق می‌شود که به امر تجسس می‌پردازد» (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۱۰۱). «از ظاهر سخن برخی لغویان چنین برداشت می‌شود که تفاوتی بین تجسس با تحسس نیست» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۳۸)، اما «برخی بین این دو فرق گذاشته و گفته‌اند که تجسس در امور شر و تحسس در امور خیر به کار می‌رود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۴۸۴)، ولی «بعضی دیگر از اهل لغت، تفاوت بین تجسس و تحسس را در این دیده‌اند که تحسس کسب خبر برای خود است و تجسس برای دیگری» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۳۸).

معنای اصطلاحی

آن گونه که از تعاریف بالا به دست می‌آید، تفاوتی بین معنای لغوی و اصطلاحی واژه تجسس وجود ندارد. بنابراین مفهوم عملیاتی و اصطلاحی تجسس در این مقاله عبارت است از کسب آگاهی از اخبار و اطلاعات دیگران به هر وسیله و ابزار ممکن و البته به صورت مخفیانه و بدون آگاهی فرد مورد تجسس.

حریم خصوصی

«در لغت، حریم از حرمت و ریشه «حرم» گرفته شده و به معنای محدوده، گرداگرد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴) منع و یا حریمی مرزی بوده که بعد از آن، اطلاعات از شخص مالک به دیگران انتقال نمی‌یابد. از این رو، تعرض دیگران به صاحب آن ممنوع است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۶۵۳؛ کرزون، ۱۳۸۴: ۴۶۴) و یا «آنچه از اطراف عمارت متعلق به آن باشد» (معین، ۱۳۷۶: ۱۳۵۲) و یا «مکانی که حرمت داشته و مس آن جایز نباشد» (عمید، ۱۳۸۲: ۵۶۳؛ انوری، ۱۳۸۱: ۲۵۱۰).

با وجود اینکه در آیات و روایات اسمی از واژه حریم خصوصی برده نشده، اما مفهوم آن و احکام اخلاقی و حقوقی حریم خصوصی در آموزه‌های دینی از جمله آیات و احادیثی که بیان خواهیم کرد، به وفور مشاهده می‌شود. به اعتقاد نویسندگان مقاله، با توجه به معنای لغوی حریم و موارد کاربرد آن در فقه و حقوق، وقتی حریم در کنار واژه خصوصی قرار گیرد، حوزه وسیعی از امور را دربرمی‌گیرد و البته با توجه به عرفی بودن مفهوم دو واژه حریم و خصوصی، گستره حریم خصوصی در جوامع گوناگون متفاوت است و چه بسا در جامعه‌ای، برخی از امور حریم خصوصی بشمار آید و در برخی جوامع، حریم خصوصی قلمداد نشود. از این رو، به جهت اینکه در هر عرفی، مفهوم و گستره حریم خصوصی ممکن است متفاوت باشد؛ در اصطلاح نمی‌توان تعریف جامع و مانعی از حریم خصوصی ارائه کرد، اما در عین حال می‌توان یک تعریف کاربردی ارائه نمود که «حریم خصوصی عبارت است از هر نوع اطلاعات، اموال و... فردی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی، نظامی و... اشخاص حقیقی، حقوقی (سازمان، شرکت و...) که صاحبان آن راضی به آگاهی دیگران از آن نیستند. اگرچه ممکن است در جوامع و عرف‌های مختلف، دامنه این تعریف را محدود نمود و یا گسترش داد».

تزامم

«تزامم بر وزن تفاعل و در لغت به معنای مزاحمت طرفینی و جای یکدیگر را تنگ کردن است» (معلوف، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۹۵) و از مهم‌ترین مباحث اصول فقه بشمار می‌آید. «اصطلاحاً تزامم به معنی «تمانع دو حکم جعل شده از سوی شارع است که با وجود ملاک هر دو و عدم وجود مانع، مکلف در مقام امتثال نمی‌تواند هر دو را باهم انجام دهد» (مشکینی، ۱۳۷۴: ۱۰۸). به عبارت دیگر، تنافی بین احکام تکلیفیه الزامی (حرمت و وجوب) است که مکلف در مقام امتثال و عمل ناتوان از انجام هر دو است، مانند اینکه دو نفر در حال غرق شدن هستند و مکلف فقط یک نفر را می‌تواند نجات دهد که در اینجا دو واجب با یکدیگر تزامم پیدا کرده‌اند (صقور، ۱۴۲۸ق، ج ۱: ۵۰۳).

مبانی نظری

در منابع دینی دو دسته ادله وجود دارد:

الف) ادله‌ای که فی‌الجمله دلالت بر حرمت تجسس می‌کند.

ب) ادله‌ای که حاکی از جواز تجسس است.

ادله حرمت تجسس

قرآن و سنت

«در منابع دینی، علاوه بر آیات، احادیث فراوانی که از حد «تظافر» گذشته وجود دارد که فی‌الجمله حرمت تجسس را اثبات می‌نمایند» (جمعی از نویسندگان، ج ۲۶: ۶۰) که به برخی از آن اشاره می‌شود. به‌طور کلی، آیات و روایات را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود:

۱. نهی از تجسس به‌طور مطلق

این دسته از آیات و احادیث اولاً اطلاق دارند و دایره آنها محدود به نوع خاصی از تجسس نیست و حداکثر قیدی که می‌توان به آن زد، جامعه مسلمانان است؛ دوم اینکه، به‌وضوح بر حرمت دلالت می‌کنند. (یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظنّ إن بعض الظنّ إثمٌ و لا تجسسوا)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چراکه بعضی از گمان‌ها گناه است و

هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید (۱، ۴۹، آیه شریفه ۱۲).

خداوند در این آیه شریفه به طور مطلق از تجسس در زندگی خصوصی دیگران و از تفحص و نشر عیوبی که مردم عنایت دارند پنهان بماند، منع کرده است. بعضی از مفسران معتقدند عبارت ﴿أَيُّجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ...﴾، تعلیلی است برای حرمت غیبت و تجسس. بنابراین، همان‌گونه که تعلیل اشعار دارد بر اینکه حرمت غیبت تنها دربارهٔ مسلمان است، همچنین اشعار دارد بر اینکه حرمت تجسس هم در این آیه شریفه اختصاص دارد به تجسس از مسلمانان و نسبت به غیرمسلمانان ساکت است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۴۸۴)، اما به اعتقاد برخی دیگر، چون در آیه شریفه قیدی نیامده، اطلاق دارد و شامل غیرمسلمانان هم می‌شود (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲۲: ۱۸۷).

نکته دیگری که می‌توان از آیه شریفه استفاده نمود این است که در جامعه اسلامی مسلمانان باید نسبت به هم حسن ظن داشته باشند؛ به عبارت دیگر، سوءظن ریشه تجسس است و اسلام با از بین بردن ریشه، درصدد از بین بردن تجسس است و از این رو، در آیه شریفه مزبور خداوند ابتدا از سوءظن پرهیز داده و سپس از تجسس. بر این اساس، حضرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برخی از یاران خود را که از برخی دیگر بدگویی می‌کردند، شدیداً از این کار نهی کرده و فرموده‌اند:

«دائماً نزد من نیایید و از همدیگر بدگویی کنید. من مایلم وقتی میان مردم ظاهر می‌شوم، «سلیم الصدر» باشم» (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۱۷) و نیز بسیاری از فقها به استناد همین آیه شریفه، قاعدهٔ حمل فعل مسلم بر صحت را تأسیس کرده‌اند (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۷۴۵؛ قزوینی، ۱۴۱۹ق: ۲۶۱؛ گلپایگانی، بی‌تا، ج ۲، ۳۱۷).

«كُونُوا إِخْوَانًا فِي اللَّهِ... وَ لَا تَجَسَّسُوا» عبارت «لا تجسسوا» که در ضمن احادیث متعددی از حضرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل شده، صریحاً از تجسس نهی نموده است. در یکی از این احادیث، حضرت در ابتدا از ظن و گمان نهی نموده، سپس مؤمنین را از چند چیز پرهیز می‌دهند، از جمله می‌فرماید: «لَا تَجَسَّسُوا».

اگرچه حدیث مزبور به صراحت دلالت بر حرمت می‌کند (همان) و از ظاهر آن اطلاق هم فهمیده می‌شود، اما با توجه به اینکه قبل از آن فرموده با یکدیگر برادر دینی باشید «كُونُوا إِخْوَانًا فِي اللَّهِ»، به نظر می‌رسد این حرمت فقط شامل تجسس در جامعه اسلامی می‌شود (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۲۹؛ مجلسی ۱۴۰۳ق، ج ۷۲: ۲۵۲).

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «شَرُّ النَّاسِ الظَّانُونَ وَ شَرُّ الظَّانِينَ الْمُتَجَسِّسُونَ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۹: ۱۴۷)؛ بدگمان‌ها، بدترین مردم‌اند و بدترین بدگمان‌ها، افراد تجسس‌کننده‌اند. در این حدیث عبارت شرّ، حاکی از عدم جواز مدخول آنهاست و می‌توان از آن، حرمت را استنباط نمود.

۲. نهی از کنکاش عیوب دیگران و افشای آن

دسته دوم، روایاتی است که از تتبع عیوب و زشتی‌های مؤمنان نهی فرموده که از جنبه متعلق تجسس، اطلاق روایات دسته اول را ندارد، اما نوعاً به‌طور آشکار دلالت بر حرمت می‌کنند. «لَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ»...، «از حضرت پیامبر (صلى الله عليه وآله) روایات فراوانی با عبارات مشابه نقل شده که صریحاً از تتبع عیوب مسلمانان نهی نموده که به‌روشنی دلالت بر حرمت تجسس دارد و البته نسبت به غیرمؤمنین ساکت است» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱: ۱۰۴؛ کلینی، ۱۳۷۱ق، ج ۲: ۳۵۴؛ مفید: ۱۴۱۳ق: ۱۴۱). امام علی (علیه‌السلام) به مالک اشتر می‌فرماید: «باید دورترین و مبعوض‌ترین کارگزاران در دستگاه تو، آنانی باشند که عیب مردم بیشتر جویند» (ابن‌شعبه‌حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۲۸).

رسول مکرم اسلام (صلى الله عليه وآله) در آخرین خطبه خود قبل از وفات می‌فرماید: «هر کس قدمی در عیب مؤمن و کشف زشتی‌های آن بردارد، اولین گامی که برمی‌دارد وارد جهنم می‌شود» (دیلمی، ۱۴۰۸ق: ۴۲۰). نهی در این روایت نیز، با توجه به عذابی که بر آن مترتب است، حرمت را می‌رساند.

ابن سنان می‌گوید به امام صادق (علیه‌السلام) عرض کردم: «عَوْرَةُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ قَالَ نَعَمْ» (برقی: ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۱۰۴) این روایت نیز به‌طور آشکار دلالت بر حرام بودن زشتی‌های مؤمن برای مؤمنان می‌کند.

از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده که فرمود: «دورترین بنده از خدا آن کسی است که با مردی برادری کند و لغزش‌های او را بر او نگهداری کند که روزی بر آن‌ها سرزنشش کند» (کلینی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۳۵۵).

۳. بیان برخی مصادیق تجسس

دسته سوم به برخی از مصادیق تجسس مانند ورود به منزل دیگران بدون اذن، نگاه به نوشته

یا گوش دادن به سخن دیگری به‌طور مخفیانه و بدون اذن اشاره نموده و از همه آنها نهی و بعضاً وعده عذاب داده شده که دلالت بر حرمت دارد.

۱. ﴿... لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ... فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ...﴾ (۱، ۲۴، آیات شریفه ۲۷-۲۸).

این آیه شریفه به‌طور صریح از ورود به بیوت دیگران که از مصادیق روشن حریم خصوصی است، بدون داشتن اذن نهی فرموده است.

۲. حضرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «مَنْ نَظَرَ فِي كِتَابِ أَخِيهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ فَكَأَنَّمَا يَنْظُرُ فِي النَّارِ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ۱۵۹؛ ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۸۱).

۳. و نیز از ایشان نقل شده که فرمودند: «کسی که به سخنان قومی گوش دهد، درحالی‌که آنان راضی نیستند، به گوش او قلع گذاخته ریخته می‌شود» (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۰۹).

۴. و نیز فرمودند: «در هر عضوی از فرزند آدم جزئی است از زنا و زنا‌ی چشم نظر کردن است و زنا‌ی زبان گفتن است، دو گوش زنا‌ی او شنیدن است» (شعیری، بی‌تا: ۱۴۵؛ خویدکی، ۱۳۸۸ق، ۱۳۱).

۴. بیان حکم مقابله با کسی که مخفیانه به حریم دیگران تجاوز می‌کند

در برخی از روایات آمده که «اگر شخصی مخفیانه به خانه کسی نگاه کند و صاحب‌خانه برای دور کردن او چیزی به‌سوی او پرتاب کند و چشم او آسیب ببیند، دیه ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۲۹۱؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۳۲) و بعضی از فقها به استناد این روایات فتوی به عدم وجوب دیه داده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق؛ ج ۹: ۳۵۲) و این حاکی از حرام بودن نگاه مخفیانه می‌کند.

سخنان امام و رهبری

امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) که سخنان و دیدگاه‌های ایشان باید مبنای اقدام کارگزاران باشد، در بخشی از فرمان هشت ماده‌ای خود می‌فرماید:

«هیچ‌کس حق ندارد... به تلفن یا نوار ضبط‌صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هرچند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم

باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده و لو برای یک نفر فاش کند. تمام اینها جرم [و] گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبایر بسیار بزرگ است و مرتکبین هریک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی است» (امام خمینی، بی تا، ج ۱۷: ۱۴۱).

ایشان پس از چند ماه، به ستاد پیگیری و تخلفات قضایی و اداری که در راستای اجرای فرمان مزبور تشکیل شده بود، می‌فرماید: «تجسس از احوال اشخاص در غیرمفسدین و گروه‌های خرابکار مطلقاً ممنوع است» (امام خمینی، بی تا، ج ۱۷: ۲۲۰). و در جای دیگر می‌فرماید: «نباید از خانه‌های مردم عادی و لو تویش (فرض کنید) فسادی دارد واقع می‌شود فسادی شخصی... حق ندارد کسی وارد خانه‌اش بشود... به این بهانه هم به خانه مردم نروند، تفتیش از حال مردم نکنند، تفتیش از حال - فرض کنید- که مسلمان‌هایی که توی خانه‌هایشان یک کاری می‌کنند از ش پیرسند که تو آنجا چه می‌کردی؟ نه، این حق ندارد» (همان: ۲۶۸).

رهبر معظم انقلاب، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در جمع مسئولان قوه قضاییه درباره ممنوعیت تجسس این‌گونه می‌فرماید: «در باب تحقیق قضائی و کشف جرم، چیزهایی وجود دارد که شرعاً ممنوع است. بعضی از این تجسس‌ها و تفحص‌های زیادی و رفتن در بطون بعضی از مسائل، واقعاً ممنوع است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۸: ۲۵۳).

ایشان در پاسخ به استفتائی درباره ورود به منازل دیگران و تصویربرداری و انتشار آن مرقوم نموده‌اند: «ورود به حریم خصوصی اشخاص بدون اجازه، شرعاً جایز نیست، اگرچه عنوان تجسس بر آن منطبق نباشد و گرفتن فیلم و عکس و مانند آن به صورت مخفیانه شرعاً حرام و انتشار آن حرام دوم است». و در استفتائی دیگر درخصوص ضبط صدای دیگران بدون اجازه می‌فرماید:

«اگر صحبت و حضور در جلسه عمومی و درملاءعام نباشد، ضبط صدا و برداشتن عکس و

گرفتن فیلم بدون اجازه طرف جایز نیست» (امام خامنه‌ای، به نقل از سایت معظم‌له).

قوانین و مقررات

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم که براساس قوانین و اصول اسلام تدوین شده در اصل ۲۵ تصریح می‌کند: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون».

با توجه به اصل مزبور، قانون مجازات اسلامی (ماده ۵۸۲) اقدام‌های یادشده را جرم دانسته و برای آن مجازات‌هایی را در نظر گرفته است.

از آنجاکه با پیشرفت فناوری و تولید ابزارهای جدید از جمله رایانه، حریم خصوصی افراد گسترش یافته، شیوه دسترسی و تجسس به اطلاعات و حریم خصوصی هم تغییر پیدا کرده است، از این رو قانون‌گذار در مواد «۷۲۹ تا ۷۳۳» قانون جرایم رایانه‌ای، برای جرایمی مانند دسترسی غیرمجاز، شنود غیرمجاز و جاسوسی رایانه‌ای مجازات حبس و جزای نقدی را تعیین کرده است.

نتیجه‌گیری از ادله حرمت تجسس

از مجموع آنچه از آیات، احادیث، سخنان امامین انقلاب و قوانین و مقررات بیان شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که حکم اولیه تجسس لااقل نسبت به مسلمانان، حرمت است، زیرا مسلمانان، به‌طور یقین از این ادله‌اند و از آنجایی که مقیدی که به‌طور مطلق، نیروهای مسلح را استثنا کرده باشد، وجود ندارد؛ در نتیجه، حکم اولیه عدم جواز تجسس، شامل کارکنان نیروهای مسلح نیز می‌شود و البته این حکم، منافاتی با استثنا کردن برخی موارد که در بخش بعدی به آن اشاره خواهد شد، ندارد.

ادله جواز تجسس

در سیره و سنت معصومین (علیهم‌السلام)، به‌ویژه حضرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) موارد فراوانی به چشم می‌خورد که فی‌الجمله دلالت بر جواز تجسس می‌کند:

قرآن و سنت

۱. مراقب گذاشتن برای فرماندهان نظامی و کارگزاران خودی

«از امام رضا (علیه‌السلام) نقل شده که روش جاری حضرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) این بود که «مَنْ يَتَجَسَّسُ لَهُ خَبْرَهُ» در جنگ‌ها چند نفر از افراد مورد اعتماد خود را همراه فرمانده می‌کرد تا عملکرد وی را زیر نظر بگیرد و اخبارش را به پیامبر برساند، «(حمیری، ۱۴۱۳ق، ۳۴: حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۷۰۲).

۲. توییح کارگزاران خاطی یا خائن به استناد گزارش جاسوسان

«امام علی (علیه‌السلام) که بزرگ‌ترین خیانت‌ها را خیانت به امت و بزرگ‌ترین فریب‌کاری بر اهل شهر را فریب دادن امام می‌داند» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۷۰۳). بر اساس اخبار رسیده «وقد بلغنی» با کارگزارانی که مخفیانه مرتکب تخلف یا جرم شده‌اند، برخورد کردند، از جمله:

۱. «توییح کتبی شریح قاضی به جهت خریدن خانه‌ای به قیمت ۸۰ دینار» (شریف‌الرضی، ۱۳۷۹: ۴۸۳).
۲. «تذکر به کارگزار خود در بصره به جهت بدرفتاری با قبیله بنی‌تمیم» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۱۸: ۳۷۶).
۳. «توییح یکی از عمال خود که مرتکب سوءاستفاده از بیت‌المال شده بود» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۴۰: ۴۱۲).
۴. «هشدار باش به ابن‌زیاد از اینکه فریب وعده‌های معاویه در نامه‌ای که مخفیانه به وی نوشته است را نخورد. قطعاً این اطلاعات حاکی از این است که امام (علیه‌السلام) حتی از مکاتبات مخفیانه کارگزاران خود آگاه است» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۴۰: ۵۵۳).
۵. «توییح عثمان بن حنیف أنصاری به جهت حضور در یک میهمانی اشرافی» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۱۸: ۴۱۷).
۶. «سرزنش شدیدالحن منذر بن جارود عبیدی که یکی از فرمانداران امام بود به جهت خیانت اقتصادی» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۷۱: ۶۱۵).
۷. «نامه توییح‌آمیز به مصقلة بن هبيرة الشیبانی به جهت سوءاستفاده از بیت‌المال» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۷۰۳؛ شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۴۳: ۵۵۱).

۳. توصیه معصومین (علیهم‌السلام) به کارگزاران خود برای به‌کارگیری عیون به‌منظور

کسب اطلاعات عمال خود

۱. «توصیه حضرت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به امیر مؤمنان (علیه‌السلام) مبنی بر گماردن مراقبانی امین و درست‌کردار کارکنان» (جمعی از نویسندگان: ۱۳۸۰: ۱۰۱).

۲. «توصیه امام علی (علیه‌السلام) به مالک اشتر: رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راست‌گو و وفای‌پیشه بر آنان بگمار «وَأَبْعَثِ الْعِيُونَ» ... و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده او را با تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او باز پس گیر» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳: ۴۳۶).

۴. خبرهای دریافتی امام علی (علیه‌السلام) از اتفاقات بلاد مسلمین.

۱. «آگاهی یافتن امام علی (علیه‌السلام) از اینکه مردی از لشکر شام به خانه زنی مسلمان و زنی غیرمسلمان که در پناه حکومت اسلام بوده، وارد شده و خلخال، دستبند، گردن‌بند و گوشواره‌های آنها را به غارت برده... و لشکریان شام هم با غنیمت فراوان رفتند» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳: ۷۵).

۲. «اطلاع یافتن امام علی (علیه‌السلام) از فتنه‌انگیزی ابوموسی که در آن زمان فرماندار کوفه بود و بازداشتن مردم از پیوستن به امام علی (علیه‌السلام)» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۶۳: ۶۰۳).

۳. «هشدار به عامل خود در مکه: همانا مأمور اطلاعاتی من در شام به من اطلاع داده است که گروهی از مردم شام برای مراسم حج به مکه می‌آیند... پس در اداره امور خود هشیارانه و سرسختانه استوار باش، نصیحت‌دهنده‌ای عاقل، پیرو حکومت و فرمان‌بردار امام خود باش» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۳۳: ۵۴۱).

۵. استراق‌سمع برای کشف تخلفات اهل منزل

۱. زراره از امام باقر (علیه‌السلام) روایت می‌کند: مردی بر امام علی بن‌الحسین (علیه‌السلام) وارد شد و گفت: زن شیبانی شما خارجی است و به حضرت علی (علیه‌السلام) ناسزا می‌گوید... امام باقر (علیه‌السلام) در ادامه می‌فرماید: فردای آن روز امام سجاد (علیه‌السلام) در آن سوی منزل پنهان شد «كَانَ مِنَ الْغَدِ كَمَنْ فِي جَانِبِ الدَّارِ»، آن مرد آمد و باب گفتگو را با زن آن حضرت گشود و همسر امام نیز همان سخنان را ابراز کرد. پس از این ماجرا، علی بن‌الحسین (علیه‌السلام) آن زن را رها ساخت (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰: ۵۵۱). «این حدیث به اعتقاد برخی از محققان، حاکی از آن است که انجام کارهای مقدماتی برای کسب خبر، امری جایز و روا است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰: ۷۹).

این حدیث که موثق است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰: ۵۴) در بسیاری از کتب روایی در ابواب مربوط به حکم ازدواج با ناصبی آمده (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۵۱؛ طریحی، ۱۳۷۵ق، ج ۷: ۳۰۳؛ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۱۸۴)، اما به

نظر می‌رسد این حدیث با توجه به اینکه خلاف اصل اولیة حرمت تجسس است، قابل استناد برای جواز تجسس و استراق‌سمع، به‌ویژه برای تفتیش عقاید و مسائل شخصی افراد نمی‌شود بلکه این موضوع، قضیه فی واقعه است، زیرا اول اینکه، روایتی که ائمه (علیهم‌السلام) به دیگران اجازه چنین کاری را داده باشند ظاهراً وجود ندارد؛ دوم اینکه، در ما نحن فیه، احتمال در خطر بودن جان امام (علیه‌السلام) وجود داشت. بنابراین، استراق سخن همسر، برای دفع ضرر احتمالی جانی است و از این-رو، امام (علیه‌السلام) همسر خود را مجازات نکردند و فقط طلاق دادند.

۲. حسین بن موسی بن جعفر (علیه‌السلام) از زبان مادرش نقل می‌کند: «با ابوالحسن (علیه‌السلام) روی پشت‌بام خوابیده بودیم که پدرت به یک‌باره لباس خود را به سرعت کشید و از جا برخاست. او را دنبال کردم ناگهان دیدم دو تن از غلامان آن حضرت با دو کنیز ایشان مشغول گفتگو هستند و میان آنها دیواری است، به‌گونه‌ای که به‌هم دسترسی ندارند. حضرت به صحبت‌های آن دو گوش فرا داد، «فَتَسَمَعَ عَلَيْهِمَا». آنگاه متوجه حضور من شد و فرمود: ... آیا صحبت‌ها را شنیدی؟ گفتم: آری، فدایت شوم. فردای آن شب، امام آن دو غلام را به یک شهر و دو کنیز را نیز به شهر دیگر فرستاد، سپس آنها را فروخت» (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۳۳۱). یکی از فقهای معاصر از این روایت استفاده کرده است که با هدف حفظ اهل خانه در برابر مفاسد و بازداشتن آنان از بدی‌ها، تجسس و تفتیش امری جایز و روا است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰: ۷۹).

این حدیث که در سایر جوامع روایی نیامده، قابل استناد و تسری نیست و نمی‌تواند مجوزی برای استراق‌سمع و ورود به زندگی خصوصی افراد باشد، زیرا در وهله اول، با وجود اینکه حمیری سال‌ها قبل از مؤلفان کتب اربعه می‌زیسته، اما در سایر کتب نیامده. بنابراین، عدم ذکر این حدیث در سایر کتب روایی، احتمالاً به جهت عدم اعتبار آن باشد؛ در وهله دوم، قضیه فی واقعه است، چون برخلاف اصل اولیه است و هیچ روایت دیگری از ائمه (علیهم‌السلام) برای جواز این کار صادر نشده است. در وهله سوم، در این روایت هم امکان توطئه به قتل رساندن امام (علیه‌السلام) وجود دارد و به‌دلیل مسائل امنیتی استراق‌سمع شده است.

سخنان امام و رهبری

امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) همان‌گونه با قاطعیت از تجسس جلوگیری کردند، اما درعین‌حال، «مفسدان و گروه‌های خرابکار» (خمینی، نرم‌افزار نورف ج ۱۷، ۲۲۰) یا «آنهایی که دارای مراکز فساد، توطئه و فحشا هستند» (همان: ۲۶۹) یا خانه‌های امن و تیمی برای براندازی و ترور؛ محاربه، (همان: ۱۴۲) را استثنا دانسته و صریحاً فرموده‌اند: «با جاسوسی حفظ بکنید اسلام را... احکام اسلام برای مصلحت مسلمین است، برای مصلحت اسلام است...، جاسوسی فاسد خوب نیست، اما برای حفظ اسلام و برای حفظ نفوس مسلمین واجب است» (همان: ۱۱۶)، اما درعین‌حال بر احتیاط کامل تأکید کرده و فرموده‌اند: «لکن تحت ضوابط شرعی و موافق دستور دادستان‌ها و دادگاه‌ها، چراکه تعدی از حدود شرعیه حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست» (همان: ۱۴۲).

رهبر معظم انقلاب در این رابطه و در پاسخ به این استفتاء که «ورود نیروهای امنیتی به بعضی از مراکز و نفوذ در گروه‌ها برای کشف مراکز فحشا و گروه‌های تروریستی، این کار از نظر شرعی چه حکمی دارد؟»، به صورت مشروط و با رعایت برخی شرایط موافقت نموده و می‌فرماید:

«اگر با اجازه مسئول مربوطه و با التزام به رعایت ضوابط و مقررات قانونی باشد و از آلوده شدن به گناه و ارتکاب فعل حرام اجتناب شود، اشکال ندارد و بر مسئولان نیز واجب است که بر کار آنان از این جهت نظارت و توجه کامل داشته باشند» (امام خامنه‌ای، ۱۴۲۴ق: ۳۱۰).

قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران

با توجه به اینکه برابر «اصل ۲۵» قانون اساسی هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون؛ در قوانین موضوعه به موارد استثنا و حدودو تجاوز آن اشاره شده، از جمله در قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۸۲ ضمن مشخص کردن مجازات تجسس، «مواردی که قانون اجازه داده» را استثنا کرده است. قانون آیین دادرسی کیفری نیز در مواد متعددی به این موضوع پرداخته و ضوابط و مقرراتی را برای این امر وضع کرده است که خلاصه آن به شرح ذیل است:

۱. «باید با اجازه موردی مقام قضایی باشد» (ماده ۵۵).
۲. «از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیرمرتبط با موضوع خودداری شود» (ماده ۵۶).

۳. «در صورت مشاهده ادله، اسباب و آثار جرم غیرمرتبط که تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی جامعه است، در هنگام بازرسی باید ضمن حفظ ادله و تنظیم صورت‌مجلس، بلافاصله مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش و وفق دستور وی عمل کند» (ماده ۵۷).

۴. «در صورت تراحم تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهم‌تر باشد» (ماده ۱۳۹).

۵. «کنترل ارتباطات مخابراتی و نیز سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی افراد فقط در صورتی مجاز است که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرایم موجب مجازات سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی یا مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر لازم تشخیص داده شود» (مواد ۱۵۰، ۳۰۷، ۳۵۲ و ۶۸۳) و البته در تبصره ۱ ماده ۱۵۰ تصریح شده است که: «شرایط و کیفیات کنترل ارتباطات مخابراتی به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شود».

۶. «برای تفتیش و بازرسی مراسلات پستی و هم‌چنین داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی مربوط به متهم باید ظن قوی به کشف جرم، دستیابی به ادله وقوع جرم و یا شناسایی متهم وجود داشته باشد» (مواد ۱۵۲ و ۶۷۱).

نتیجه‌گیری از ادله جواز تجسس

اگرچه برابر ادله حرمت تجسس، اثبات شد که اصل اولیه، حرمت تجسس است، اما از مجموع احادیث مزبور به دست می‌آید که تجسس در جایی که به سرنوشت جامعه برگردد و برای مصلحت جامعه لازم باشد و نیز گماردن جاسوس برای شناخت عملکرد کارگزاران و نظارت بر آنان، فی‌الجمله جایز است و درحقیقت این احادیث بیانگر این است که اصل اولیه حرمت تجسس با رعایت ضوابط و مقررات، استثنا هم دارد.

راه‌حل مسئله در مقام تراحم ادله

۱. برابر آنچه گذشت، برخی از ادله بیانگر حرمت تجسس و ورود به حریم خصوصی دیگران است و برخی دیگر حاکی از جواز فی‌الجمله تجسس است و از آنجایی که ادله حرمت تجسس، در وهله اول

اطلاق یا عمومیت دارد و در وهله دوم حکم اولیه است. بنابراین، اگر قرار است مواردی از ذیل این اطلاق و عموم خارج و یا این حکم اولیه به حکم ثانویه تبدیل شود و به موارد مشابه مستثنا شده و در ادله نقلی تسری پیدا کند، لازم است ادله مقید یا مخصّص یا عنوان ثانویه، احراز شده و توان لازم برای تخصیص، تقييد و یا تبدیل حکم اولیه به ثانویه را داشته باشد.

۲. آن گونه که از تحلیل دقیق مسئله و نیز تصریح برخی از فقها به دست می‌آید (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰، ج ۲۶: ۷۶)، تجسس و ورود به حریم خصوصی دیگران از جمله کارکنان نیروهای مسلح به منظور مصلحت دیگر، از باب تراحم است (نه تخصیص و تقييد) و در این صورت، تجسس، مقدمه‌ای است برای یک ذی‌المقدمه واجب دیگر (به طور مثال، حفظ نظام یا حفظ سازمان و...). توضیح بیشتر اینکه: «تراحم، از یک منظر به سه دسته کلی ملاکی، امتثالی و حفظی تقسیم می‌شود» (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۲۰۳) و «تراحم امتثالی به سه یا پنج قسم، دسته‌بندی می‌شود» (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴ق، ج ۴: ۳۰۹) که یکی از اقسام آن، تراحم بین مقدمه و ذی‌المقدمه است؛ مانند جایی که حرام مقدمه واجب یا انجام واجب، مستلزم ارتکاب حرام است، مانند تصرف در ملک غیر برای انقاذ غریق (مشکینی، ۱۳۷۴: ۱۰۸-۱۰۹). نکته دیگر اینکه «فقها در باب تراحم برای انتخاب یکی از متزاحمین، مرجّحاتی را بیان کرده‌اند که مکلف باید مزاحم دارای مُرَجّح را انتخاب نماید. اگرچه فقها مُرَجّحات متعددی را بیان کرده‌اند» (مشکینی، ۱۳۷۴: ۱۱۰؛ نجم‌آبادی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۷۶؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴ق، ج ۴: ۳۱۲)، اما به اعتقاد بعضی از فقها، «روح حاکم بر همه مرجّحات، یکی است و آن تقدیم اهم مطلق یا اهم نسبی بر مهم است» (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴ق، ج ۴: ۳۱۲). بنابراین، در ما نحن فیه، تجسس در صورتی جایز است که ضوابط و ملاک‌های باب تراحم، از جمله اهمیت موردی که برای آن تجسس صورت می‌گیرد و همچنین سایر شرایط و ملاک‌های باب تراحم، از جمله موارد ذیل، احراز شود:

۱. احراز مصلحت موضوع تجسس با توجه به اینکه احکام، تابع مصالح و مفاسد است، موضوع مورد تجسس باید دارای مصلحت باشد.
۲. احراز اهم بودن مصلحت تجسس، نسبت به مصلحت کوتاه‌مدت و جزئی و حتی بلندمدت و کلی عدم تجسس و ورود به حریم خصوصی.

۳. عدم وجود مندوحه و منحصر بودن راه کشف به تجسس.

۴. اقتصار و اکتفا به قدر متیقن، با توجه به اینکه این نوع تجسس از باب اضطرار جایز شده است، برابر قاعده «الضرورات تنقذ بقدرها» باید به قدر متیقن مورد نیاز اکتفا شود.

دسته‌بندی انواع تجسس در نیروهای مسلح و حکم شرعی آن

با توجه به متفاوت بودن موارد تجسس از حیث داشتن یا نداشتن شرایط مزبور که به‌طور طبیعی در حکم جواز یا حرمت تجسس اثرگذار خواهد بود، لازم است مصادیق مهم تجسس و ورود به حریم خصوصی به‌طور جداگانه بررسی شود که در اینجا مهم‌ترین موارد و مصادیق آن را بررسی می‌کنیم:

۱. تجسس و ورود به حریم سازمانی کارکنان در محیط کار، برای کسب هر نوع تخلف و جرایم امنیتی، غیرامنیتی، فردی یا بانندی کارکنان مرتبط به سازمان، نظام، مردم و... از طریق شنود تلفن محل کار، بررسی اسناد، مدارک، رایانه و... اداره، گماردن عیون و ناظر مخفی در محیط سازمان برای کشف شبکه جاسوسی، براندازی، فساد اداری، اخلاقی و... سازمان یافته و تشکیلاتی، بررسی عملکرد کارکنان نسبت به مأموریت و وظایف سازمانی آنها و... .

به نظر می‌رسد، این نوع تجسس با همه انواع و مصادیقی که ذکر شد، جایز است، زیرا اول اینکه عرفاً حریم خصوصی بر آن اطلاق نمی‌شود و در نتیجه از لحاظ تخصصی از حریم خصوصی خارج است. دوم اینکه، تجسس از حریم سازمانی نیز از لحاظ تخصصی از تجسس خارج است، زیرا این نوع بررسی‌ها، رویه جاری سازمان‌های نظامی است و نوعاً کارکنان در جریان شنود تلفن و کنترل اسناد و مدارک خود می‌باشند و مخفی بودن آن معنا ندارد؛ سوم اینکه، این موارد جزء قدر متیقن‌های ادله جواز تجسس و موارد استثنا است.

۲. ورود به حریم خصوصی کارکنان و تجسس از طریق ابزار و وسایل شخصی و خارج از محیط سازمان (شنود تلفن و موبایل شخصی، کنترل پیامک‌ها و...) برای کسب اطلاعات مربوط به حوزه‌های امنیتی یا افسادهای بانندی که به مصالح و مفاسد نظام یا سازمان مرتبط است، مانند جاسوسی، براندازی و فساد سازمان یافته و تشکیلاتی که موجب فساد در نظام یا سازمان می‌شود. به نظر می‌رسد این نوع تجسس نیز شرعاً جایز است، زیرا حفظ نظام یا لاقط حفظ اسرار نظامی

و دفع و رفع فسادهای باندى از يك سازمان نظامى كه بايد حافظ امنيت و کشور باشد، نسبت به حفظ و رعايت حریم خصوصى افراد، داراى مصلحت اهم است. بنابراین، با رعايت ساير شرايط جواز تجسس و رعايت ضوابط و مقررات و اخذ مجوزهاى لازم، اين نوع تجسس جايز خواهد بود.

۳. ورود به حریم خصوصى کارکنان و تجسس از طريق ابزار و وسايل شخصى و خارج از محيط سازمان (شود تلفن و موبایل شخصى، کنترل پیامک‌ها و...) برای کسب اطلاعات مربوط به عملکرد مدیریتی، سازمانى یا شناخت فسادهاى فردى کارکنان (به‌جز فسادهاى اخلاقى و مواردى كه در بند «۲» ذکر شد).

با توجه به تفاوت موارد و مصاديق اين نوع تجسس، به‌طور مطلق نمى‌توان همه را حرام یا جايز دانست، زیرا با توجه به مطالبى كه بيان شد، مبنای جواز یا عدم جواز تجسس، احراز اهم بودن مصلحت موضوع مورد تجسس است و چون در همه موارد، اهم بودن موضوع احراز نمى‌شود، بلکه در برخى موارد افسد بودن تجسس محرز است؛ بنابراین، به‌طور مطلق نمى‌توان حکم به حرمت یا جواز تجسس نمود و بايد قائل به تفصيل شد و بگوئيم:

۱. تجسس از طريق عيون، تحقيق ميدانى از افراد مطلع از عملکرد کارگزاران و مديران و شناسايى فسادهاى فردى آنها (به‌جز فسادهاى اخلاقى) جايز است، زیرا اول اينكه از يك‌سو فسادى كه بر اين نحوه از تجسس مترتب است كمتر از فساد یا عملکرد ضعيف مديران و کارگزاران است كه تبعات منفى بسيار زيادى بر جامعه مى‌گذارد و دوم اينكه، اهميت وجوب شناخت کارگزاران خاطى و ضعيف برای عزل یا تنبيه آنها، بيش از وجوب رعايت حریم خصوصى مرتبط به سازمان کارگزاران است. سوم اينكه، توييخات اميرالمؤمنين (عليه‌السلام) نسبت به شريح قاضى، عثمان بن حنيف، منذر بن جارود، مصقلة بن هبيرة و... همگى حاكى از اين است كه حضرت به‌وسيله عيون خود از اين اخبار مطلع شده‌اند و نيز توصيه حضرت به مالك اشتر مبنى بر گماردن جاسوسانى بر کارگزاران نيز مؤيد جواز اين نوع از تجسس است.

۲. اما اگر اين تجسس و ورود به حریم خصوصى کارکنان به‌وسيله شهود تلفن، کنترل پیامک‌ها، نصب دوربین یا ضبط صوت در منزل و مشابه آن با اهداف مزبور صورت گيرد، جايز نيست، زیرا در وهله اول، در صدر اسلام اين ابزار نبوده و اقدامات مشابه آن هم از معصومين (عليهم‌السلام) صادر

نشده است تا بتوان با استناد به آن، حکم به جواز داد. در وهله دوم، نه تنها اهم بودن مصلحت ناشی از تجسس احراز نمی‌شود بلکه فساد مترتب بر این نوع اقدامات (شنود تلفن، کنترل پیامک‌ها، نصب دوربین یا ضبط صوت در منزل) به مراتب بیش از مصلحت شناسایی متخلفان و مجرمان است، زیرا این نوع ابزارها و مطالبی که با آنها تبادل می‌شود از خصوصی‌ترین حریم‌هاست و دایره اطلاعات کاملاً شخصی و محرمانه‌ای که از این طریق تبادل می‌شود، بسیار بیش از اطلاعات مورد نیاز سازمان است و اطلاع یافتن دیگران موجب ناامنی شدید در بین افراد و جامعه و مهم‌تر از آن بی‌اعتمادی گسترده مردم به نظام و سازمان می‌شود. بنابراین، با توجه به عدم احراز جواز تجسس‌های مزبور، این نوع تجسس، مشروعیت ندارد.

۴. نوع چهارم از تجسس، تجسس از فسادهای اخلاقی فردی و غیرباندی است که با توجه به دلایلی که در بند «۳» بیان شد، مطلقاً این تجسس‌ها جایز نیست و حتی اگر در حین شنودهایی که در محیط کار و برای کشف جاسوسی یا فسادهای بانندی به مورد اخلاقی برخورد کردند، تجسس بیشتر و حکم صادر کردن بر اساس آن، جایز نیست، زیرا علاوه بر ادله مزبور در بند قبلی، نه تنها هیچ مجوزی در آیات، روایات (به جز روایت منقول از حمیری در قرب الاسناد که تحلیل آن بیان شد)، قوانین، مقررات، فتاوی فقها و بیانات امامین انقلاب برای انجام این قبیل تجسس‌ها وجود ندارد، بلکه ادله‌ای که از آن نهی می‌کند، فراوان است و از این رو، برخی از افراد زناکار که برای پاک شدن به وسیله اجرای حد به حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا امیرالمؤمنین (علیه السلام) مراجعه می‌کردند، این بزرگواران به طرق مختلف آنها را از اقرار کردن نهی می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۱۸۵؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۳۲؛ عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰ق، ج ۹: ۳۵) و نیز «برای اثبات این گونه مسائل بسیار سخت‌گیرانه عمل می‌کردند، به گونه‌ای که باید چهار شاهد عادل مرد، به ایلاج و ادخال، آن‌هم کالمیل فی المکحله» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۱۸۴) شهادت می‌دادند.

نتیجه گیری

از مجموع آنچه بیان شد و تجزیه و تحلیل ادله، نتایج ذیل حاصل می‌شود:

۱. با توجه به ادله فراوان ممنوعیت تجسس، حکم اولیه تجسس به طور مطلق یا لاقفل تجسس از مسلمانان و از جمله نیروهای مسلح، حرمت است.
۲. برابر ادله‌ای که گذشت، از این حکم اولیه، مواردی استثنا شده و از جمله در برخی موارد، تجسس از کارکنان نیروهای مسلح جایز است، اما با عنایت به اطلاق یا عمومیت ادله حرمت تجسس و اولی بودن این حکم، بدون احراز اهم بودن متعلق تجسس، ورود به حریم خصوصی و تجسس جایز نیست.
۳. با عنایت به عدم احراز شرایط جواز تجسس در برخی از اقسام تجسس در نیروهای مسلح (مزبور در بالا)، تجسس در موارد ذیل جایز نیست:
 - الف. شنود، کنترل پیامک‌ها، نصب دوربین و... در خارج از محیط کار برای شناسایی فسادهای فردی (به جز فسادهای اخلاقی)؛
 - ب. تجسس برای کشف فسادهای اخلاقی فردی و غیر بانندی که مطلقاً این تجسس‌ها (نه در ساعات اداری و نه غیر اداری و...) جایز نیست و حتی اگر در حین شنود برای کشف جاسوسی یا فسادهای بانندی به مورد اخلاقی برخورد کردند، تجسس بیشتر جایز نیست؛
 ۴. در مواردی که تجسس جایز است، با توجه به اینکه این نوع تجسس از باب اضطرار جایز شده است، برابر قاعده «الضرورات تنقذ بقدرها» باید به قدر متیقن و مورد نیاز اکتفا شود و تجسس بیش از حد ضرورت، جایز نیست.
 ۵. با توجه به اصل اولیه «حرمت تجسس» از یک سو و لزوم احراز اهم بودن وجوب متعلق تجسس برای «جواز تجسس» از سوی دیگر، در صورت عدم احراز اهمیت و در موارد «مشکوک الجواز»، باید به اصل عملی «عدم جواز تجسس» مراجعه و از تجسس پرهیز نمود. دلیل این اصل همان ادله نقلی حرمت تجسس است.^۱
 ۶. نکته مهم دیگر اینکه، همان گونه که تجسس و گماردن عیون و... به عنوان یک امر پیشگیرانه

^۱ علاوه بر ادله یادشده، در فقه و آموزه‌های دینی، موارد زیادی وجود دارد که مؤید این مطلب است، از جمله: «حمل فعل مسلم بر صحت» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۳۶۲)، «اصل حسن ظن در جامعه اسلامی»، «قاعده درء» و «اهمیت حرمت فروج و دماء در اسلام» (نجم‌آبادی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۷۷).

باید برای افراد متخلف و مجرم ایجاد ناامنی کند، نباید سبب ناامنی روانی و سلب اعتماد عمومی سایر افراد و کارکنان غیرمتخلف و غیرمجرم شود. به عبارت دیگر، ایجاد امنیت روانی و اطمینان پیدا کردن عموم مردم به محفوظ بودن حریم خصوصی‌شان و نیز ایجاد اعتماد عمومی آنها به سازمان، به مراتب دارای اهمیت بیشتری است از کشف تخلفات اخلاقی فردی و تنبیه کردن آنان و در ما نحن فیه هیچ مصلحتی به جز مصلحت حفظ نظام، اهم از حفظ این اعتماد عمومی نیست.

منابع و مأخذ

الف) کتب فارسی

۱. قرآن کریم.
۲. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سید علی (۱۴۲۴ق)، «*أجوبة الاستفتائات (فارسی)*»، چاپ اول، تهران: قم.
۳. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سید علی، «*حدیث ولایت*»، نرم‌افزار ولایت.
۴. امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، سید روح‌الله، «*صحیفه امام*»، نرم‌افزار نور.
۵. انوری، حسن (۱۳۸۱)، «*فرهنگ بزرگ سخن*»، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، «*مبسوط در ترمینولوژی حقوق*»، تهران: گنج دانش.
۷. جمعی از مؤلفان (۱۳۸۰)، «*مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)*»، چاپ اول، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام).
۸. حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی (۱۳۸۰)، «*الحیاء*»، ترجمه احمد آرام، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. خویدکی، شرف‌الدین (۱۳۸۸ق)، «*کاشف الأستار*»، ترجمه جامع الأخبار، چاپ اول، تهران.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، «*لغتنامه*»، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۳)، «*آئین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۳)*»، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
۱۲. شریف‌الرضی، محمدبن‌حسین (۱۳۷۹)، «*نهج البلاغه*»، ترجمه جعفر دشتی، چاپ اول، قم: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، «*ترجمه تفسیر المیزان*»، چاپ پنجم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. عمید، حسن (۱۳۸۲)، «*فرهنگ فارسی عمید*»، چاپ بیست‌وهفتم، تهران: امیرکبیر.
۱۵. کرزون، ال.ب (۱۳۸۶)، «*فرهنگ حقوق*»، ترجمه قدیر گلکاریان و همکاران، تهران: دانشیار.
۱۶. معین، محمد (۱۳۷۶)، «*فرهنگ فارسی*»، چاپ دوازدهم، تهران: امیرکبیر.

۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، «تفسیر نمونه»، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۱۸. منصور، جهانگیر (۱۳۹۲)، «قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)»، چاپ اول، تهران: نشر دیدار.
۱۹. ابن ابی جمهور، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۵ق)، «عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة»، چاپ اول، قم: دار سید الشهداء للنشر.
۲۰. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، «الخصال»، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.
۲۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق)، «ثواب الأعمال و عقاب الأعمال»، چاپ دوم، قم: دارالشریف الرضی للنشر.
۲۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، «من لا یحضره الفقیه»، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، «تحف العقول»، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.
۲۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، «لسان العرب»، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۲۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، «المحاسن»، چاپ دوم، قم: دار الکتب الإسلامية.
۲۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، «وسائل الشیعة»، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البت (علیهم‌السلام).
۲۷. حسینی مراغی، سید میر عبد الفتاح (۱۴۱۷ق)، «العناوین الفقیهیه»، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، «قرب الإسناد (ط - الحدیثه)»، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البت (علیهم‌السلام).
۲۹. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ق)، «أعلام الدین فی صفات المؤمنین»، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البت (علیهم‌السلام).
۳۰. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۴ق)، «ارشاد العقول الی مباحث الأصول»، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق (علیه‌السلام).

۳۱. شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، «نهج البلاغه (للمصباحی صالح)»، تحقیق و تصحیح: صبحی صالح، چاپ اول، قم: هجرت.
۳۲. شعیری، محمد بن محمد (بی‌تا)، «جامع الأخبار (لشعیری)»، چاپ اول، نجف: مطبعة حیدریه.
۳۳. صدر، محمدباقر (۱۴۱۷ق)، «بحوث فی علم الأصول»، چاپ سوم، قم: مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام).
۳۴. سنقور، محمد (۱۴۲۸ق)، «المعجم الاصولی»، چاپ دوم، قم: منشورات الطیار.
۳۵. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، «مکارم الأخلاق»، چاپ چهارم، قم: الشریف‌الرضی.
۳۶. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، «مجمع البحرین»، چاپ سوم، تهران: مرتضوی.
۳۷. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۹۰ق)، «الإستبصار فیما اختلف من الأخبار»، چاپ اول، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۸. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق)، «تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)»، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۹. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، «مصباح المتهدد و سلاح المتعبد»، چاپ اول، بیروت: مؤسسه فقه الشیعة.
۴۰. عاملی، شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، «الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة»، چاپ اول، قم: کتاب‌فروشی داوری.
۴۱. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق)، «الوافی»، چاپ اول، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام).
۴۲. فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، «المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر»، چاپ دوم، قم: مؤسسه دارالهجرة.
۴۳. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۱۸ق)، «البلد الامین والدرع الحصین»، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، «الکافی»، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۴۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۲۳ق)، «زاد المعاد - مفتاح الجنان»، چاپ اول، بیروت: مؤسسه

الأعلمی للمطبوعات.

۴۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، «بحار الأنوار (ط - بیروت)»، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۴۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۴ق)، «مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول»، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الإسلامیة.

۴۸. مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۷۴)، «اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها»، چاپ ششم، قم: الهادی
۴۹. معلوف، لوییس (۱۳۶۲)، «المنجد»، چاپ اول: اسماعیلیان.

۵۰. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، «الأمالی (للمفید)»، چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید.

۵۱. موسوی قزوینی، سید علی (۱۴۱۹ق)، «رسالة فی قاعدة (حمل فعل المسلم علی الصحة)»، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۵۲. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (بی تا)، «القواعد الفقهیة (إفاضة العوائد)»، بی جا.

۵۳. نجم‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۰)، «الأصول»، چاپ اول، قم: مؤسسه آیت‌الله العظمی بروجردی
لنشر معالم اهل البيت (علیهم‌السلام).

۵۴. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل»، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البيت (علیهم‌السلام).

ب) تارنما

1.Khamenei.ir

